

مطالعه جامعه‌شناختی علل، زمینه‌ها و پیامدهای گرایش جوانان به هم‌خانگی

(مورد مطالعه: جوانان شهر تهران)

مرضیه ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۳/۱۳

جوانان به عنوان سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند و با توجه به تغییر و تحولات سریع جامعه لزوم پژوهش و شناخت وضعیت آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. هم‌خانگی از جمله مسائلی است که اخیراً در میان جوانان مشاهده می‌شود. دغدغه اصلی این مقاله بررسی علل، زمینه‌ها و پیامدهای گرایش جوانان به این سبک از زندگی است. این پژوهش با روش گراند تئوری و تکنیک مصاحبه عمیق با ۱۰ جوان در شهر تهران انجام شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شرایط علی گرایش جوانان به هم‌خانگی شامل تغییر نگرش آنها به ازدواج و ارزش‌های خانوادگی، تقدم بلوغ جنسی بر بلوغ اجتماعی و نگرانی از آینده است. مهم‌ترین زمینه‌های گرایش به هم‌خانگی نیز زمینه‌های خانوادگی مشارکت‌کنندگان، تجربه‌های ناموفق ارتباط با جنس مخالف و ضعف اعتقادات دینی است. همچنین، رسانه و عضویت در گروه‌های دوستی دارای تجربه هم‌خانگی، شرایط مداخله‌گر برای گرایش جوانان به هم‌خانگی بوده است. یافته‌ها نشان داد راهبرد جوانان در مقابل انتخاب این سبک زندگی، توجیه‌سازی و مقصرانگاری خانواده و جامعه و ناکارآمد دانستن هنجارهای رسمی و غیررسمی است. بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، پیامدهای گرایش به هم‌خانگی را کاهش تمایل به ازدواج، از دست دادن فرصت‌های ازدواج، کاهش سرمایه اجتماعی و قرار گرفتن در معرض بیماری‌های جسمی و روحی می‌دانستند.

واژگان کلیدی: هم‌خانگی، خانواده، جوانان، نگرش و ارزش

^۱ استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

موضوع تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های ایرانیان به ویژه جوانان در بسیاری از تحقیقات اجتماعی بیان شده است. مطالعات انجام شده از تغییر ارزش‌های ازدواج به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های خانواده و همچنین تاثیر عوامل اجتماعی بر روابط پیش از ازدواج که منجر به کاهش رغبت جوانان نسبت به ازدواج است، خبر می‌دهند. (سرایي و اجاقلو، ۱۳۹۲؛ مهدوی و همکاران، ۱۳۹۵) یکی از مهم‌ترین پیامدهای روابط پیش از ازدواج و به طور مشخص شیوع هم‌خانگی در میان جوانان، سست شدن بنیان خانواده و افزایش آسیب‌های اجتماعی درون و خارج از نهاد خانواده است؛ به طوری که این ارتباط تمام عرصه‌های زندگی جوانان اعم از عرصه‌های تحصیلی، شغلی، خانوادگی، روابط خویشاوندی و دوستی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. با توجه به اینکه نسل جوان، نسل آینده‌ساز جامعه است و هر گونه تغییر و تحولات آسیب‌زا برای آنها می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی در سطح جامعه شود، ضروری است تا ضمن بررسی و شناسایی مسئله به تدوین راهکارهایی برای کنترل آن اندیشید. در صورت عدم توجه به مسئله یا کتمان آن بخصوص در چنین موضوعات حساس و مهمی باید منتظر وقوع مسائل اجتماعی در سطوح مختلف جامعه شد. تاکید بر این امر نیز ضروری است که پرداختن به مسئله هم‌خانگی مستلزم مطالعه و بررسی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و ... است و تنها با پرداختن به یک بعد نمی‌توان رویکرد جامعی اتخاذ کرد. در دوران حاضر، افزایش تغییر و تحولات در حوزه ارزش‌های نهاد خانواده که از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود، یکی از چالش‌های اساسی است. از جمله اصلی‌ترین پیامدهای تغییر در نظام ارزش‌های خانوادگی، تغییر و تحول ارزش‌های مربوط به ازدواج است. اینکه در حال حاضر جوانان چه انگیزه و هدفی از ازدواج دارند و برای نهاد خانواده چه کارکردی در نظر می‌گیرند، یکی از مسائل مهم و قابل توجه جامعه‌شناسان است. اگر جوانان کارکرد خانواده را صرفاً عاطفی در نظر بگیرند و کارکردهای دیگر آن از جمله کارکردهای اقتصادی، حمایتی، فرزندآوری و .. را در اولویت ندانند ممکن است برای پاسخ به «نیاز عاطفی» یا «شکل‌گیری رابطه عاشقانه» اشکال دیگر ارتباط با جنس مخالف را گزینش کنند، اما اگر ازدواج برای آنها معنایی فراتر از رابطه عاطفی دونفره داشته باشد و علاوه بر این هدف (که دارای اهمیت زیادی نیز است) اهداف دیگری را در نظر بگیرند، نوع خانواده مورد نظر آنها به خانواده

هسته‌ای نزدیک‌تر می‌شود^۱، ضمن اینکه انتخاب صرف براساس عشق و عاطفه می‌تواند پیام بروز و ظهور «فردگرایی» را در جامعه مدرن به همراه داشته باشد. اگر فردگرایی جوانان بدون در نظر گرفتن مصلحت جمعی باشد نه تنها می‌تواند اشکال جدیدی از روابط با جنس مخالف را در پی داشته باشد، بلکه در طول زمان نگرش افراد به «خانواده و کارکردهای آن» تغییر خواهد کرد. باومن در کتاب «عشق سیال» به بررسی روابط انسانی میان زنان و مردان می‌پردازد و بر شکنندگی این پیوندهای انسانی در دوران مدرن تأکید می‌کند. وی معتقد است در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به «ایجاد رابطه» هستند، اما در عین حال از این مسئله هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهای متعدد کند و به سلب آزادی آن‌ها منجر شود. از نظر وی، انسان‌های امروزی رابطه می‌خواهند اما فقط با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعه سیال مدرن، افراد هیچگونه پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند هستند. افراد در جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرایانه مانند کمک فوری در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین در هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای سریع یک نیاز مانند نیاز جنسی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه، انتظار منفعت دارند؛ اما وی معتقد است که سرمایه‌گذاری در رابطه خطرناک است، زیرا یک رابطه، هم دارای جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی است و نمی‌توان آن را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع باشد. اغلب، این جنبه‌های خوب و بد همزمان در رابطه وجود دارند (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰-۳۷). از این رو، ضمن در نظر گرفتن مسائلی که در بخش پنهان جامعه در حال وقوع است، پیمایش و رصد وضعیت ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در خصوص نهاد خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. در حال حاضر در ایران نیز برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، «هم‌خانگی» مبنی بر همزیستی مشترک دو جنس مخالف با یکدیگر بدون ازدواج، در چند سال اخیر مطرح شده است. هرچند که از روند هم‌خانگی در ایران به دلیل غیر قانونی بودن و عدم ثبت رسمی آن، آمار دقیقی در دست نیست، ولی تحقیقات کیفی انجام گرفته در این زمینه نشانگر آن هستند که این نوع سبک زندگی، به ویژه در تهران از آغاز دهه ۹۰ به بعد متداول شده و روند افزایشی به خود گرفته است. آزاد ارمکی و همکاران برای اولین بار واژه هم‌خانگی را با عنوان «هم‌خانگی» به کار برده‌اند. به

^۱ جوانان معتقدند که در سبک هم‌خانگی اهداف دیگر از ازدواج همچون: فرزندآوری، معاشرت با اقوام و خویشاوندان یا همسایگان و ... با مشکلات و چالش‌های زیادی (از نظر فرهنگی و اجتماعی) همراه خواهد بود. از این رو، کسانی که صرفاً رابطه عاطفی را مبنای ارتباط با جنس مخالف قرار می‌دهند، به نحوی آماده چشم‌پوشی از سایر اهداف تشکیل خانواده خواهند بود یا به طور کلی سایر اهداف برایشان دارای اولویت نیست.

تعریف آن‌ها، «روابط عاشقانه در الگوهای پیشرفته خود، به روابط هم‌خانگی منجر می‌شود. این الگوی جدید همه ویژگی‌های رابطه دوست‌دختر - دوست‌پسر را دارد با این تفاوت که این افراد با یکدیگر زندگی زیر یک سقف را نیز تجربه می‌کنند و زندگی اقتصادی مشترکی دارند. روابط هم‌خانگی رقیب جدی نهاد ازدواج است و خود را در قامت ازدواج غیر رسمی باز می‌نماید. الگویی از رابطه است که بسیاری از تعهدات و شرایط ازدواج را دارد، اما از قوانین، سنت‌ها و محدودیت‌های آن گریزان است.» (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰) در زمینه گرایش افراد نسبت به انتخاب این نوع سبک زندگی مشترک به جای ازدواج رسمی، علل و عوامل متعددی تاثیرگذار خواهند بود. توجه به این مسئله ضروری است که گام اول در بحث شناخت هم‌خانگی، تفکیک این شکل از رابطه دو جنس از سایر اشکال است؛ به طوری که در عرصه پژوهشی، هنوز مرز تعریفی مشخصی میان هم‌خانگی و سایر اشکال رابطه دو جنس وجود ندارد و یا تداخل مفهومی در آن رخ می‌دهد. بعد از ترسیم و تحدید مرز این تعریف لازم است تا از منظر کنشگران به موضوع هم‌خانگی و علل وقوع آن پرداخت و داده‌های استخراج شده را با نتایج پژوهش‌هایی که تغییر و تحولات نگرشی جوانان را گزارش می‌کند تحلیل و تبیین نمود. این پژوهش به دنبال چرایی این مسئله است که جوانان با توجه به فرایند جامعه‌پذیری خود و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی چگونه این سبک از زندگی - که هنجارهای متفاوت و متعارضی با آموخته‌های آنان دارد- را انتخاب می‌کنند. علل، زمینه‌ها و پیامدهای این مسئله در این پژوهش بررسی و واکاوی شده است.

مروری بر ادبیات پژوهش

مسعود گلچین و سعید صفری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تجربه زیسته زوجین تشکیل دهنده هم‌خانگی در تهران با روش نظریه زمینه‌ای» بدین نتیجه رسیدند که وجه تسمیه این نوع از ازدواج، سفید بودن شناسنامه دختر و پسر و درج نشدن نام آنها در شناسنامه یکدیگر است. مقوله‌های عمده پژوهش حاضر شامل ۱۵ مقوله عمده است؛ به نحوی که تهران شهر بی نظارت، تقلیل کارکرد و اهمیت خانواده، مهاجرت به عنوان شرایط زمینه‌ای و دید منفی به ازدواج مرسوم، باورهای فمینیستی و عدم اعتقاد و پابندی به ارزش‌های دینی جامعه به عنوان شرایط علی، درگیری در فرایند عاشقانه، آشنایی با هم‌خانگی به عنوان شرایط میانجی، هم‌خانگی رابطه برابر، هم‌خانگی رابطه با پایان باز، تجربه رضایت‌بخش از این سبک زندگی، موانع داخلی رابطه، محدودیت‌های خارجی رابطه به عنوان تعاملات و تحمل ضرر و زیان ناشی از اتمام رابطه و ازدواج و یا قول به ازدواج در جهت برطرف کردن موانع خارجی به عنوان پیامدهای این سبک زندگی به دست آمدند. در طی کدگذاری گزینشی مفاهیم به دست آمده در جریان پژوهش هم‌خانگی

رابطه‌ای کم دوام ناشی از تضاد ارزش‌های مدرن با سنتی در بستر کلان شهر به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب گشت.

یافته‌های محمدرضا رهبرپور و حسنعلی موذن‌زادگان و مطهره درویشی‌نژاد خنار (۱۳۹۵) در پژوهش «بررسی حقوقی-جرم‌شناختی هم‌خانگی در ایران» نشان می‌دهد که ازدواج سفید یا هم‌خانگی محصول فرایند تجدد ایرانی و گسترش جهانی شدن و ورود آن به ایران است؛ فرایندهایی که ابتدا با تغییر اوضاع اقتصادی و فرهنگی (نظام ارزشی) جامعه به تدریج تغییرات اجتماعی متفاوتی را در داخل کشور پدید می‌آورند. از منظر حقوقی، هم‌خانگی منطبق با هیچ یک از نهادهای ازدواج رسمی در ایران نیست و از منظر کیفری نیز جرم‌انگاری این پدیده به دلیل اصل حداقلی بودن حقوق جزا و ورود به حریم خصوصی قابل قبول نمی‌باشد. از سوی دیگر، قرار گرفتن این پدیده در قالب جرایم بدون بزه دیده عدم امکان شناسایی مرتکبان، روند کشف، تعقیب، رسیدگی مجازات را دچار مشکل می‌سازد.

یعقوب فروتن، حیدر جانعلیزاده و زهرا شمس (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به شکل‌های نوظهور خانواده با تاکید بر «زوج‌زیستی» در شهرستان همدان» با تکیه بر نظریه گذار جمعیتی و همچنین نظریه ارزش‌های جامعه معاصر اینگلهارت، نگرش افراد به شکل‌های نوظهور خانواده را تجزیه و تحلیل کرده اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مجموع غالب افراد جامعه آماری نگرش منفی به شکل‌های نوظهور خانواده به‌ویژه زوج‌زیستی داشتند (۹۴ درصد) و فقط ۶ درصد به این موضوع نگرش مثبت داشتند. براساس چارچوب نظری، مظاهر نوگرایی به‌ویژه فردگرایی، صنعتی شدن و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای ارزش‌های مادی از جمله علل گرایش به شکل‌های نوظهور خانواده است. بر همین اساس و براساس یافته‌های این تحقیق، باورها و زمینه‌های اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی مساعدی درباره اهمیت نهاد خانواده در جامعه آماری تحقیق وجود دارد که می‌توانند نقش موثری در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده برای کنترل شدت آسیب‌های خانواده و میزان طلاق داشته باشد.

یافته‌های مژگان یاسری، ثریا چراغی و فاطمه همتی ۱۳۹۵ در پژوهشی با عنوان «بررسی علل روانشناختی و جامعه‌شناختی گرایش به هم‌خانگی» نشان داد که هم‌خانگی، یکی از چالش‌های جدید و نوپدید جامعه ایران است. مهم‌ترین عوامل گرایش به این رابطه تغییرات فرهنگی جامعه ایران، مشکلات مالی جوانان، محک زدن رابطه، عدم اعتقاد به ازدواج، سست شدن اعتقادات مذهبی، افزایش مردان تنها و زنان بیوه ناشی از طلاق، الگوبرداری از ماهواره و رسانه‌های بیگانه که قبح این نوع رابطه را از بین می‌برند، توقع بالای دختران، قطع وام ازدواج و هرگونه کمک مالی به پسران از سوی نهادهای مالی، متمایل شدن به مصرف

مواد مخدر و ایجاد خلأ روانی برای دختران و رهایی از هفت خون ازدواج رسمی است. این شکل از ازدواج آسیب‌های اجتماعی و روانی زیادی برای جامعه، طرفین و خانواده آنان ایجاد می‌کنند. مهم‌ترین آسیب‌ها عبارت‌اند از: کم شدن حس مسئولیت، تحمیل هزینه اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان این ارتباط، کم شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، زیاد شدن احتمال طلاق، کم شدن شادی و نشاط زوجین به خصوص برای زنان، کاهش فرزندآوری و کاهش شانس مادر شدن دختران در چند دهه اخیر. الگوی روابط جنسی در جهان تغییرات فراوانی داشته و اکنون نیز جامعه ایران با تحولات چشمگیری در حوزه ارزش‌ها و باورهای جوانان رو به روست.

یافته‌های اعظم مهدوی‌پور و فاطمه باجلانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «هم‌خانگی، رویکردها و پیامدهای حقوقی و جامعه‌شناختی ایران» نشان داد که حاصل مطالعات جامعه‌شناختی در زمینه مسئله هم‌خانگی تاییدکننده دو رویکرد کلی در ارتباط با موضوع این پژوهش بوده است:

الف) رویکردهایی که خانواده را به عنوان مدار اصلی رشد، پیشرفت و تحولات جامعه پذیرفته و در بسیاری از موارد نقش‌ها و وظایف پیش‌بینی‌شده برای خانواده را ضامن بقا جامعه می‌دانند.

ب) رویکردهایی که تمام تلاش خود را برای تغییر در ساختار، کارکرد و ماهیت خانواده انجام داده و گریزان از نقش‌های سنتی و پیش‌بینی‌شده برای خانواده است و بر ایجاد شکل‌های جدیدی از خانواده تاکید می‌کند.

لذا در مسئله هم‌خانگی (موضوع مورد بحث این مقاله) بر اساس رویکرد اول پدیده هم‌خانگی با نگاه آسیب‌شناسانه و به عنوان ناهنجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما بر اساس رویکرد دوم، پدیده هم‌خانگی در قانون جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از فقه شیعه به رسمیت شناخته نشده، اما مراجعه به منابع فقهی حقوقی این امکان را فراهم می‌آورد تا با بررسی دیدگاه‌های مختلف دو رویکرد کلی نسبت به مسئله هم‌خانگی قابل احصا و استخراج باشد:

۱. رویکرد غیرجرمانگارانه (با تاکید بر حفظ حریم خصوصی)

۲. رویکرد جرم‌انگارانه (با تاکید بر حفظ منافع و مصالح عمومی)

شراره مهدی‌زاده، سوسن باستانی و خدیجه وهابی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تاثیر سرمایه فرهنگی بر نگرش جوانان نسبت به هم‌خانگی» بدین نتیجه دست یافتند که بین سرمایه فرهنگی و نگرش به هم‌خانگی، رابطه معنادار وجود دارد. همچنین متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، وضعیت تأهل، درآمد، محل

تولد، محل سکونت، شغل مادر و شغل همسر، دارای رابطه معنادار با نگرش به هم‌خانگی هستند؛ در حالی که شغل پدر، شغل فرد و سن، رابطه معنادار با موضوع ندارند.

سیامک جعفرزاده و بهزاد رستمی‌زاد (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «ماهیت فقهی و حقوقی هم‌خانگی» اظهار کردند که هم‌خانگی زندگی مشترک میان زن و مرد بدون اشاعه صیغه عقد دائم یا موقت است که طرفین فارغ از مراسم شرعی و عرفی، با رضایت و توافق، زندگی خود را در مکان مشترکی آغاز می‌کنند، اما زوجیت آنها نه به طور شرعی و نه به صورت قانونی در جایی ثبت نخواهد شد.

یافته‌های لیلا میربد و آسیه خلیفه زاده یزدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی هم‌خانگی در ایران» حاکی از آن است که در بررسی حقوقی هم‌خانگی به نکات فراوانی از جمله: تدلیس، زنا، طفل نامشروع، جرائم منافی عفت و ... بر می‌خوریم که در تمامی این موارد قانون مجازات اسلامی دارای قوانین خاص بوده، لذا بررسی این موارد از اهمیت فراوانی برخوردار است. از دیدگاه جرم‌شناختی باید گفت در هم‌خانگی جرم‌انگاری صورت نگرفته است، اما طبق مواد مرتبط با نکاح شرعی هم‌خانگی دارای مشروعیت نیست و جرم محسوب می‌گردد.

مهدی قنبریان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی هم‌خانگی در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)» بیان کرد که نخستین ازدواج‌ها با عنوان «ازدواج سپید» در غرب و به ویژه فرانسه و آمریکا شکل گرفتند. در هم‌خانگی کشورهای غربی و برخی کشورهای دیگر، شرکای این زندگی، آدرس محل زندگی و مشخصات خود را به طور کامل به پلیس محلی اعلام می‌کنند و مراتب در اداره پلیس ثبت می‌شود تا در صورت بروز اختلاف، فرزندان شدن، جدا شدن و موارد مشابه رفع تنازع شود. از نظر توافقات شیوه زندگی، همه چیز روشن بوده و هر یک از آنان با درصد توافق شده، در این روش زندگی ایفای نقش می‌کنند. اگر توافق بر انشقاق و جدایی از یکدیگر کنند، اموال حاصله در مدت زندگی مشترک بین آنها تقسیم و هر یک سهم خود را دریافت و جدا می‌شوند. محاکم قضایی در صورت اطلاع پلیس محلی از این موضوع، دعاوی این افراد را می‌پذیرند و استماع می‌کنند و زن به همان اندازه حق دارد که مرد دارای حق است. به عبارت دیگر، در نظام حقوقی غرب هم‌خانگی و قوانین مربوط به این پدیده خانوادگی مورد قبول محاکم قضایی و قانونی است، ولی در نظام حقوقی و فقهی ایران این پدیده به دلیل عدم ثبت شرعی و عدم مسئولیت حقوقی و عدم مشروعیت فقهی این نوع رابطه و همچنین بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین، غیرقانونی تلقی می‌گردد.

نسرین علی‌پور و محسن داورزنی در تحقیقی با عنوان «روند شکل‌گیری و ماهیت حقوقی هم‌خانگی در ایران و جهان» بیان کرد که رویه هم‌خانگی از کشورهای غربی به ویژه آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلستان وارد ایران شده است که عمده دلایل آن نبودن شغل و کم بودن کار مناسب برای جوانان عنوان شده است، در این شرایط هم‌خانگی می‌تواند با مشارکتی شدن مخارج موجب کاهش هزینه‌ها شود. تحقیقات نشان می‌دهد که هم‌خانگی در مقایسه با ازدواج دارای نتایج ضعیف‌تری در مورد رضایت از رابطه، احتمال شکست در ارتباطات، سلامت، حمایت زوجین از یکدیگر، مهارت حل مسائل مختلف و دلبستگی به یکدیگر است. علاوه بر این زوجین در هم‌خانگی بر مسائل و ارزش‌های کوتاه‌مدت تاکید دارند.

ملاحظات نظری

نظریه رابطه ناب

مهم‌ترین دگرگونی‌هایی که مدرنیته در روابط دوستانه ایجاد کرد، دوستی با جنس مخالف بوده است. روابط دوستانه با جنس مخالف در جامعه سنتی در قالب مقوله همسرگزینی و ازدواج جای داشته است، اما هرچه جامعه پسا‌سنتی توسعه بیشتری می‌یابد، حرکت به سوی آنچه می‌توان آن را رابطه ناب در روابط دوستانه با جنس مخالف، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیشتری می‌گیرد. گیدنز «رابطه ناب» را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خودمرجع می‌داند که منحصراً وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌گردد. (گیدنز، ۱۳۸۵) از دیدگاه او «رابطه ناب» پدیده‌ای است که در شرایط اجتماعی مدرنیته متأخر امکان‌پذیر شده است. او ظهور رابطه ناب را مسئله‌ای جدید برای عرصه‌های نوین زندگی شخصی می‌داند. (همان) تغییر شکل صمیمیت و رابطه ناب که ابتدا در کشورهای غربی و پیشرفته به دنبال تحولات فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و پس از آن به‌طور گسترده‌ای شیوع پیدا کرده بود، امروزه در اثر توسعه وسایل ارتباطی به‌ویژه اینترنت و پیشرفت حاصل از آن، به امری فرهنگی در سطح جهان تبدیل شده است.

نظریه نوسازی

یکی از نظریه‌هایی که در امر تغییر و تحولات اجتماعی مطرح است، نظریه «نوسازی» است. نوسازی فرآیندی اجتماعی- روانی است که طی آن افراد نگرش‌ها و ارزش‌ها و عقاید مدرن شدن را کسب می‌کنند. بر اساس این نظریه تغییرات زیادی در سطوح مختلف ایجاد می‌شود که از جمله آن‌ها به صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش سطح سواد، گسترش رسانه‌ها و نیز تغییرات در سبک زندگی و ... می‌توان اشاره کرد. فرآیندهای نوسازی علاوه بر تأثیر روی فرهنگ عینی و فرهنگ ذهنی، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد را نیز

به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینگلس و اسمیت، نوسازی را نوعی فرایند اجتماعی - روانی دانسته‌اند که طی آن افراد نگرش و ارزش‌ها و عقاید مدرن شدن را کسب می‌کنند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۲۴) در سیر حرکت جوامع از سنتی به مدرن، طی تغییر و تحولات زیادی که همراه با نوسازی شکل می‌گیرد. ارزش‌ها، فرهنگ و اعتقادات افراد همچنین تغییر و تحولات ساختار جامعه، به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. آثار این تحول و دگرگونی در امور اجتماعی، فرهنگی و ارزشی در جامعه ما نیز روزبه‌روز در حال گسترش است و نوجوانان و جوانان ما هم تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته‌اند. یکی از پیامدهای این امر فاصله گرفتن نسل امروز از ارزش‌های سنتی و گرایش به ارزش‌های مدرن و شکاف نسل‌هاست.

نظریه دگرگونی فرهنگی و ارزشی

«نظریه دگرگونی فرهنگی و ارزشی» اینگلهارت، یکی از نظریاتی است که می‌توان در این پژوهش به آن استناد نمود. اینگلهارت در چارچوب نظریه دگرگونی فرهنگی و ارزشی، به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. اینگلهارت درباره تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیطشان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی پاسخ می‌دهد. جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگ‌ترهانشان به آن‌ها می‌آموزند بستگی ندارد، بلکه جهان‌بینی آن‌ها با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل گذشته متفاوت است. هرچند اینگلهارت بر تأثیر تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی در تغییرات نگرشی و ارزشی جوامع تأکید می‌کند، اما از نقش عامل دیگری نیز سخن به میان می‌آورد که خود آن را میراث فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌نامد. به‌طورکلی رهیافت نظریه‌پردازی او دو سطح سیستم (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مدنظر قرار می‌دهد؛ بدین شکل که تغییرات محیطی و کلان در سیستم جامعه به دگرگونی‌هایی در سطح فردی انجامیده و این دگرگونی‌ها در سطح خرد دارای پیامدهایی برای سیستم می‌باشد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۲۲) بر اساس این نظریه‌ها در مورد اینترنت و دوستی با جنس مخالف تحقیقات تجربی انجام شده، در این زمینه می‌توان این‌گونه استدلال کرد که تحولات سریع دوران اخیر تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف در سراسر جهان را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. یکی از مهم‌ترین اثرات این دگرگونی‌ها، تغییر در ساختارهای سنتی خانواده و ارتقای پایگاه زنان و افزایش نقش اجتماعی آن‌ها از طریق بالا رفتن تحصیلات بوده است. تحقیقات مختلف در ایران نیز نشان‌دهنده این تغییرات است. (آزاد

ارمکی، ۱۳۹۰، ۱۳۸۱) باید یادآوری شود که مباحث گیدنز در زمینه مدرنیته در مورد واقعیت‌های اجتماعی جوامع پیشرفته غربی به‌ویژه پس از دهه ۱۹۶۰ مطرح شده است، اما با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده در جامعه ایران در طول دو دهه اخیر، دیدگاه اینگلهارت در مورد اینترنت و نگرش به دوستی‌ها در جامعه ایران نیز تا اندازه زیادی قابل بررسی است.

نظریه عشق سیال زیگمونت باومن

به نظر باومن، ارتباطات بین انسان‌ها تغییر کیفی داشته و مهم‌ترین عامل این تغییر، رشد زندگی مدرن با ویژگی‌های عقلانی و حساب‌گرایانه‌اش، شهرنشینی و فن‌آوری‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی است. سیالیت و شکنندگی زندگی مدرن بر روابط انسانی نیز تاثیر گذاشته و آن را بسیار سست، شکننده و زودگذر کرده است. باومن روابط انسانی را در مرکز کار خود قرار داده و معتقد است گذار از مدرنیته جامد به مدرنیته سیال به عنوان مثال، انسانی‌ترین و خصوصی‌ترین مقوله تاریخ بشری یعنی «عشق» را به امری سیال تبدیل کرده است. افراد به شدت محتاج «ایجاد رابطه»، ولی در عین حال، بیمناک از «مرتبط بودن» و مرتبط بودن «همیشگی» اند، زیرا می‌ترسند که چنین حالتی بار سنگینی بر دوش آنها تحمیل کند. بنابراین، در جهان فردیت بخشی بی‌امان ما، روابط هم خوب هستند و هم بد. بنابراین، ناپایداری خارق‌العاده پیوندهای انسانی، احساس ناامنی حاصل از این ناپایداری و امیال متضاد ناشی از این احساس مبنی بر تحکیم و در عین حال سست نگه داشتن آنها از ویژگی‌های جدید روابط در عصر حاضر است. او در کل معتقد است امروزه روابط انسانی سیال، شکننده و بسیار حساب‌گرانه است. پیوندها به محض درخواست برقرار می‌شود و به میل و دلخواه فرد می‌تواند گسسته شوند. (باومن، ۱۳۸۴)

اهداف پژوهش

- شناسایی علل گرایش جوانان به هم‌خانگی؛
- شناسایی شرایط مداخله‌گر در گرایش جوانان به هم‌خانگی؛
- شناسایی پیامدها و تبعات هم‌خانگی بنا بر روایت مصاحبه‌شوندگان؛
- مطالعه راهبردها و راهبردهای مصاحبه‌شوندگان در تجربه هم‌خانگی.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد صورت پذیرفته است. رویه نظریه داده بنیاد، یک روش تحقیق کیفی است که یک مجموعه رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ای شکل گیرد. (استراس و کوربین^۱، ۱۳۹۰: ۲۳) در این روش حرکت از جزء به کل است و در حقیقت محقق به گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از پدیده مورد مطالعه استخراج شده‌اند می‌پردازد. در این رویکرد گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل در یک رابطه متقابل و دوسویه با یکدیگر قرار دارند. در روش نظریه داده‌بنیاد هرگز تحقیق، از یک نظریه شروع نمی‌شود تا آن را به اثبات برساند، بلکه تحقیق از یک حوزه مطالعاتی آغاز می‌شود و این فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن است، آشکار گردد. (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۳).

نحوه نمونه‌گیری و انتخاب نمونه‌ها

در رهیافت نظریه داده‌بنیاد، مرحله جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن همزمان انجام می‌شود و محقق پس از اتمام اولین مصاحبه، شروع به تحلیل و مفهوم‌سازی داده‌ها می‌نماید و این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری محقق ادامه دارد. از این رو، کرسول^۲ معتقد است مرحله گردآوری داده‌ها به صورت یک فرایند رفت و برگشتی است. (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۷)

در مرحله گردآوری داده‌ها در مطالعات نظریه داده‌بنیاد، مصاحبه نقش محوری بر عهده دارد. معمولاً در تحقیقات کیفی انواع مصاحبه‌های حضوری یا چهره به چهره، تلفنی و گروه‌های کانونی قابل استفاده است. در پایان هر مصاحبه نیز فایل‌های صوتی، پیاده‌سازی و سپس به منظور تحلیل داده‌ها، فرایند کدگذاری آغاز می‌شود. در تحقیقات کیفی نمونه‌ها به صورت متجانس انتخاب می‌شوند؛ یعنی افرادی برای مصاحبه انتخاب می‌شوند که فرایند مورد نظر را تجربه کرده باشند. (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۵۴) علاوه بر این، انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها و نمونه‌های شرکت‌کننده معمولاً بر اساس نمونه‌گیری نظری و هدفمند انجام می‌شود. نمونه‌های این پژوهش با روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند.

در ادامه در جدول ۱ به شرح ویژگی‌ها و خصوصیات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان پرداخته شده است:

^۱ - Strauss and Corbin

^۲ - Creswell

جدول ۱: ویژگی‌ها و خصوصیات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام مستعار ^۱	سال تولد	تحصیلات	تعداد سال هم‌خانگی	وضعیت اشتغال
۱	مهسا	۷۰	لیسانس	۲	شاغل
۲	سهیلا	۶۴	دکتری	۱۳	شاغل
۳	سارا	۶۸	فوق لیسانس	۵	شاغل
۴	مریم	۷۲	دیپلم	۱	شاغل
۵	بهجت	۶۰	لیسانس	۸	شاغل
۶	علی	۶۲	لیسانس	۴	شاغل
۷	سامان	۷۴	فوق لیسانس	۳	شاغل
۸	محمد	۶۹	دیپلم	۳	شاغل
۹	نیما	۷۳	دیپلم	۶	شاغل
۱۰	شهاب	۷۱	لیسانس	۲	شاغل

شیوه تحلیل داده‌ها

در یک رهیافت نظریه داده‌بنیاد، کار تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز می‌شود که نتیجه آن ایجاد طبقاتی از مفاهیم است که پس از این مرحله اساس کدگذاری محوری قرار می‌گیرد. در مرحله کدگذاری محوری، محقق به داده‌ها برمی‌گردد و طبقاتی را حول پدیده محوری ایجاد می‌کند. بنا بر دسته‌بندی استراس و کوربین (۱۳۹۰) این طبقات شامل شرایط علی (به معنای عواملی که موجب ایجاد پدیده‌ی محوری شده‌اند) و راهبردها (عبارت از اقداماتی که در پاسخ به پدیده محوری اتخاذ شده‌اند) هستند. علاوه بر این شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای نیز که مربوط به عوامل وضعیتی است و بر راهبردها تاثیر می‌گذارد، در کنار پیامدها، در قالب یک مدل به نام پارادایم کدگذاری محوری، به یکدیگر مرتبط شده و پدیده محوری را احاطه می‌کنند. استراس و کوربین از مرحله سوم، یعنی کدگذاری گزینشی به عنوان گام نهایی نام برده‌اند. در این مرحله پژوهشگر بر اساس مدل پارادایمی شکل گرفته در مرحله قبل، گزاره‌ها یا فرضیاتی را ارائه می‌دهند که در نهایت طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط می‌کند. (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۸)

در یک پژوهش کیفی، اعتبار و پایایی تحقیق با پژوهش‌های کمی متفاوت است؛ به طوری که در فرایند تحقیق افزایش اعتبار و پایایی تحقیق معمولاً منوط به قابلیت اطمینان‌پذیری، اتکاپذیری، انتقال‌پذیری و تاییدپذیری است. بر این اساس در پژوهش‌های کیفی از طریق روش‌هایی نظیر کنترل اعضا و ارجاع مجدد داده‌ها به مصاحبه‌شونده‌ها، کنترل بیرونی و استفاده از بازخورد سایر محققان و کدگذاری مجدد توسط آنها،

^۱ کلیه اسامی مصاحبه‌شوندگان مستعار و غیر واقعی است.

تسلط محقق بر میدان و پرهیز از سوگیری و در نهایت استناد به نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان میزان اعتبار و پایایی تحقیق را افزایش داد.

سوالات پژوهش

- چه زمینه‌ها و بسترهایی موجب گرایش جوانان به هم‌خانگی می‌شود؟
- چه عوامل و شرایط علی منجر به گرایش جوانان به هم‌خانگی می‌شود؟
- عوامل میانجی و مداخله‌گر در گرایش جوانان به هم‌خانگی چیست؟
- کنشگران معمولاً چه راهبردها و راهبردهایی را در خصوص انتخاب این سبک زندگی اتخاذ می‌کنند؟
- هم‌خانگی چه پیامدها و اثراتی بر زندگی این افراد باقی می‌گذارد؟

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های تحقیق که حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق با جوانان دارای تجربه هم‌خانگی است، ارائه شده است. لازم به ذکر است در این بخش به منظور افزایش اعتبار تحقیق و کاهش شائبه تفسیرهای شخصی، برخی روایت‌ها و نقل قول‌های افراد مصاحبه‌شونده بیان شده است. پس از پایان مراحل کدگذاری و استخراج مفاهیم اولیه، مقوله‌بندی مفاهیم صورت گرفته که به منظور جمع‌بندی بهتر، در جدول ۲ ترسیم شده است.

جدول ۲: نتایج مراحل کدگذاری و مقوله‌بندی

نوع مقوله	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های جزئی	مقوله مرکزی
شرایط علی	تغییر نگرش جوانان به ازدواج و ارزش‌های خانوادگی	اولویت عشق در ازدواج، اهمیت انتخاب فردی در ازدواج، اولویت کارکرد عاطفی برای خانواده	هم‌خانگی به مثابه یک انتخاب آزادانه و سبک زندگی کم هزینه
	تقدم بلوغ جنسی بر بلوغ اجتماعی	نیاز جنسی، عدم مهارت ارتباط با جنس مخالف و تشخیص درست نیازها، تغییر نگرش به امر جنسی	
نگرانی از آینده	شکل‌گیری گفتمان ناامیدکننده درمورد ازدواج درمیان جوانان، ترس از هزینه‌های ازدواج، ترس از هزینه‌های طلاق، نگرانی از ورود به روابط دائم و پایدار		
زمینه‌ها و بسترها	زمینه‌های خانوادگی	کاهش کنترل و نظارت خانواده، پذیرش شرایط توسط خانواده از سر اضطرار، مرور تجربیات شکست در خانواده، کاهش تعامل با خانواده، کناره‌گیری از خانواده، قطع ارتباط با بستگان	
	تجربیات ناموفق ارتباط با جنس	ورود به روابط موقت، ترس از تکرار تجربیات تلخ، بی‌اعتمادی به	

	جنس مخالف	مخالف	
	همسان کردن هم‌خانگی با ازدواج موقت، توجیه دینی هم‌خانگی	ضعف اعتقادات دینی	
شرایط مداخله‌گر	تسهیل ارتباط از طریق فضای مجازی، پیشرفت ارتباط عاطفی در فضای مجازی	رسانه و فضای مجازی	
	عادی‌سازی هم‌خانگی از طریق تجربه گروه دوستان، تایید و تشویق سبک هم‌خانگی	عضویت در گروه‌های دوستی دارای تجربه‌ی هم‌خانگی	
راهبردها	سرزنش خانواده به دلیل عدم حمایت، سرزنش جامعه به دلیل فراهم نیاوردن فرصت ازدواج، سرزنش دیگران به خاطر رفتارهای سنتی	توجیه‌سازی و مقصرانگاری جامعه و خانواده	
	خودقانون‌پنداری و قانون‌گریزی، ناکافی و ناعادلانه دانستن قوانین، بی‌توجهی به قانون	ناکارآمد خواندن هنجارهای رسمی و غیررسمی	
تدابیر	کاهش اعتماد جوانان، کاهش مشارکت جوانان، بدبینی نسبت به افراد، فاصله از کنشگران اجتماعی	کاهش سرمایه اجتماعی جوانان	
	تاثیر منفی بر تحصیل، تاثیر منفی بر شغل، کاهش ارتباط با خانواده و دوستان	تغییر روند عادی زندگی	
	افزایش سن ازدواج، عدم توجه به موقعیت‌های ازدواج رسمی، بدبینی به ازدواج، تعویق ازدواج به دلیل هم‌خانگی	کاهش تمایل به ازدواج و از دست دادن فرصت‌های ازدواج	
	عدم آگاهی از راه‌های پیشگیری، فقدان همراه برای پیگیری وضعیت سلامتی، ترس از برچسب خوردن در مراجعه به پزشک	سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی	

الف - شرایط علی

تغییر نگرش جوانان به ازدواج و ارزش‌های خانوادگی

براساس یافته‌های پژوهش و برخی از پژوهش‌های مرتبط، نگرش جوانان به ازدواج و انگیزه تشکیل خانواده دچار تغییراتی شده است. همان‌گونه که گیدنز مفهوم «رابطه ناب» را به معنای وضعیتی که رابطه اجتماعی به خاطر خود رابطه شکل می‌گیرد و به خاطر چیزی که هر فرد از رابطه مستمر با دیگری به دست می‌آورد و فقط تا جایی رابطه دوام دارد که هر دو طرف، ادامه آن را به قدر کافی برای خود رضایت‌بخش بدانند و مهم‌ترین مشخصه آن شرایط برابر جنسی و عاطفی است، مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نیز ازدواج را شکل‌گیری یک رابطه ناب عاطفی دمکراتیک می‌دانند و معتقدند انتخاب سبک زندگی مشترک به شکل هم‌باشی بیش از سایر اشکال می‌تواند به این خواسته آنها پاسخ دهد. همان‌گونه که مهسا بیان می‌کند:

«قبلاً ازدواج‌ها به خاطر یک تکلیف اتفاق می‌افتاد، مثل تولد و مرگ اجتناب‌ناپذیر بود، اما الان دیگه اینجوری نیست. الان هر کسی رو که دوست داشته باشی و حس خوب بهت بده خانواده‌ات می‌شه. مهم نیست با مراسم بشه، کسی بدونه، نظر بقیه چیه و... به نظر من اون چیزی که مهمه اینه که یه رابطه جنبه کاملاً اختیاری و فردی داره نه زوری... هر وقت کسی تو یک رابطه حس خوبی نداشت، می‌تونه بهش خاتمه بده...»

نگرش‌های فردگرایانه به شکل کاملاً محسوس در نگرش‌های خانوادگی مشارکت‌کنندگان دیده می‌شود. اینکه علائق فردی بر منافع جمعی اولویت دارد، در میان اغلب مصاحبه‌های این پژوهش دیده می‌شود. نیما می‌گوید:

«وقتی من از زندگیم یا آدمی که قراره شریک زندگیم باشه، لذت نبرم و باهاش حس خوبی نداشته باشم، چه اجباریه که با کسی باشم. اون طرف هم همینجوره باید اول خود آدم مهم باشه بعد بقیه چیزها و افراد. الان دیگه دوره این گذشته که بشینیم ببینیم کی از چی خوشش میاد و از چی خوشش نمیاد. الان محور همه چیز خود آدمه و علائق و سلیقه‌هاش... حتی به نظرم خانواده هم نمی‌تونه تعیین کننده باشه...»

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جوانان همچنان به اهمیت و ضرورت ازدواج واقف هستند^۱ و علیرغم نگرش برخی از افراد که تصور می‌کنند جوانان با اصل ازدواج مخالف اند یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جوانان در معیارها و ملاک‌های خود برای ازدواج مسئله «علاقه و عشق ناب» را دارای اهمیت می‌دانند و یکی از دلایل روی آوردن به هم‌خانگی برای آنها پاسخ به این نیاز است. آنها تصور می‌کنند که در سبک سنتی ازدواج، محدودیت‌هایی برای این نیازشان وجود دارد.

تقدم بلوغ جنسی بر بلوغ اجتماعی

با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی و افزایش استفاده جوانان از رسانه‌ها و فضای مجازی، بلوغ جنسی جوانان مقدم بر بلوغ فکری و اجتماعی آنها شده است. این مسئله موجب گردیده تا برخی از جوانان به نیاز جنسی خود بدون آمادگی‌های اجتماعی و روانی و خارج از چارچوب‌های مشروع پاسخ بدهند. براساس یافته‌های پژوهش، برخی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق با محوریت هیجان‌ات و نیازهای جنسی به این ارتباط پاسخ مثبت داده‌اند، اما در مراحل بعدی دچار مشکلاتی شده بودند که به دلیل ایجاد فضای احساسی و عاطفی، برون‌رفت از آن دشوار بوده است. سهیلا می‌گوید:

«خب فضای رابطه جنسی اولش برای آدم خیلی هیجان‌انگیزه. فکر می‌کنی ان قدر خوبه که می‌ارزه بهش جواب بدی. منم همینجوری فکر کردم و اما بعدش دیدم با اون تصویری که تو موبایل و فضاهای

۱ در تمام مصاحبه‌ها، جوانان سبک سنتی ازدواج را به دلیل نادیده گرفتن «مسائل عاطفی و عشق» نقد کرده و معتقدند که ازدواج از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر تغییراتی در معیارهای ازدواج و مراسم و مناسک «دست و پاگیر» آن (به تعبیر جوانان) ایجاد شود، همچنان آن سبک در اولویت خواهد بود.

اینستاگرام و... می‌دیدم خیلی متفاوت... وقتی می‌فهمی که یه چیزایی غیر اونم هست و باید بهش فکر می‌کردی، رسیدی به جایی که یه چیزی شبیه وابستگی یا علاقه یقینات رو گرفته و ولت نمیکنه...»

با توجه به تابو بودن «مسائل جنسی» در جامعه ما، جوانان بعد از احساس نیاز در این حوزه بیش از آنکه از مشاوران و افراد دیگر کمک بگیرند، به صورت فردی اقدام می‌کنند و در این مسیر با توجه با آگاهی محدود یا جهت داده شده، دچار خطا و مشکلاتی می‌شوند. سارا می‌گوید:

«ببینید هم‌خانگی در جامعه ما کار خیلی سختیه، وقتی تو نمی‌تونی به کسی بگی نیاز جنسی داری و می‌ترسی بهت برچسب بزنی، حالا اگه بگی یه زندگی تشکیل دادی و همه‌اش هم خودت انتخاب کردی، باید فاتحه‌ی خودتو بخونی... به نظرم انتخابای ما، انتخاب بین بد و بدتره... من که گاهی فکر می‌کنم جز خودم کسی رو ندارم که بتونم باهاش راحت از نیازم حرف بزنم.»

نگرانی از آینده

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که جوانان نسبت به شکل‌گیری رابطه پایدار و در قالب ازدواج نگرانی‌های متعددی دارند. این نگرانی‌ها منجر می‌شود روابط هم‌خانگی را امن‌تر فرض کنند و در تصورات خود هزینه‌های اشتباه در آن را کمتر از اشکال دیگر ازدواج بدانند. به طور مثال، مریم اظهار می‌کند:

«آدم‌اشتباه می‌کنن و این طبیعیه... اما بعضی اشتباه‌ها توانش سخته... مثل تاوان ازدواج اشتباه... اینجوری که تو رابطه هم‌خانگی خطا کنی خب آخرش خودت تمومش می‌کنی و خانواده و هزینه و سرزنش و هزارتا مسئله‌دیگه جلوت نیست... اگر خوب باشه که بعداً نهایت رسمیش می‌کنی...»

از طرف دیگر، برخی از افراد بی‌اعتمادی را به عنوان نگرانی جدی خود بیان می‌کردند. آنها معتقد بودند که در دنیای جدید اعتماد به افراد با مخاطره زیادی روبرو شده و بهتر است با این افراد وارد روابط موقت و کوتاه شد. بهجت می‌گوید:

«جدیداً به اعضای خانواده‌ات هم شک می‌کنی خیر و صلاحیت رو بخوان. دیگه حالا یکی رو برداری با دست خودت و صدتا بند و ماده قانون و... بیاری بالا سرت و بگی اختیارم رو می‌دم به تو. حالا اگه آدم بدی از آب دربیاد، چی می‌شه؟ هیچی بدبخت می‌شی و باید از این دادگاه به اون دادگاه در به در باشی... تازه اگه خوش‌شانس باشی و خانواده‌ها و عرف و قانون بچه تو دامت نذاشته باشن...»

ب - زمینه‌ها و بسترها

زمینه‌های خانوادگی

اغلب مشارکت‌کنندگان در تحقیق در زمینه اقتصادی و عاطفی استقلال زیادی از خانواده‌هایشان داشتند و خانواده آنها نیز این استقلال را پذیرفته و به رسمیت شناخته بودند. همین مسئله باعث شده بود تا جوانان در زمینه انتخاب شریک عاطفی خود نیز مستقل عمل کنند و خانواده نیز در صورت اطلاع واکنش خاصی نشان ندهد. محمد می‌گوید:

«وقتی دستت توی جیب خودته، یه جورایی همه چی با خودته، حتی مسائل عاطفیت هم واسه خودت می‌شه. یه چیزی تو فرهنگ هست که اگه کسی خرجت رو داد، می‌تونه بهت امر و نهی کنه و نظر بده. به نظرم وقتی از این جهت مستقل شدی، دیگه تصمیم اینکه با کی باشی و کی رو دوست داشته باشی هم با خودته... کلاً خانواده‌ام که موافق نیستن، اما خب چی بگن...»

از نظر مشکلات خانوادگی و مسائل اجتماعی خانواده، بیشترین چیزی که در میان مشارکت‌کنندگان اظهار شد، سردی رابطه به دلیل مشغله، فضای مجازی یا برخی مشکلات خانوادگی بود. مهم‌ترین زمینه خانوادگی که در این پژوهش وجود دارد، کمبود تعامل و گفتگو در میان اعضای خانواده به‌خصوص در حوزه مسائل فردی جوانان (ازدواج، نیازها و...) بوده است و همانطور که توضیح داده شد استقلال اقتصادی جوانان منجر به نادیده گرفتن سایر نیازهای آنها در خانواده شده است. علی بیان می‌کند:

«من کاری ندارم به درست یا غلط بودن تصمیمم، وقتی نه تو جامعه می‌تونی راجع بهش حرف بزنی، نه تو خانواده، نه مدرسه، نه دانشگاه و نه هیچ‌جای دیگه، خب عملاً باید خودت تصمیم بگیری. ببیند الان همه می‌گن ما که داریم حرف می‌زنیم، اما با فرهنگ صدسال قبل. آنقدر روابط همه جا سرد شده که ترجیح می‌دی با گوشت مشورت کنی تا با آدما... یه وقتی فکر می‌کنم زندگی‌م مثل آدم‌آهنی‌ها شده که از صبح تا شب بهش برنامه می‌دن... حرف زدن و ارتباط به آدم کمک می‌کنه، اما وقتی نباشه باید خودت درستش کنی و به نیازت جواب بدی.»

تجربیات ناموفق از ارتباط با جنس مخالف

یکی از علل گرایش به هم‌خانگی در میان جوانان و ترجیح آن بر ازدواج، داشتن تجربیات منفی و پرمخاطره از رابطه دوستی با جنس مخالف است. آنها ارتباط با جنس مخالف را سرشار از اضطراب و استرس توصیف می‌کنند و آن را صرفاً برای پاسخگویی به نیازهای مقطعی مناسب می‌دانند و معتقدند اگر بیش از این باشد می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات عاطفی و روانی زیادی برای افراد شود. در تمام طول مصاحبه، آنها با اشاره به مسائل گذشته خود از آینده اظهار نگرانی می‌کنند و به نظر می‌رسد تصویرشان نسبت به جنس مخالف در یک رابطه دوستی ناموفق منفی شده است. سارا می‌گوید:

«اصلاً جنس مرد به درد پاسخ دادن به نیازهای عاطفی و روانی بلند مدت نمی‌خوره. تا وقتی بهش نزدیک نشدی، بهت محبت می‌کنه و وقتی بهت دست پیدا کرد کم کم احساسش کم می‌شه بهت. به نظر من بهتره روشن حساب بلندمدت باز نکنیم و یه جور وارد رابطه بشیم که همیشه نگران رفتنمون باشن و فکر نکنن مالک ما هستن...»

ضعف اعتقادات دینی

تغییر نگرش‌های دینی و روند کمرنگ شدن اعتقادات جوانان، در یافته‌های این پژوهش مورد تاکید بسیاری قرار گرفت. جوانان معتقد بودند که رسانه و دستیابی به کانال‌های مختلف دریافت اطلاعات مذهبی منجر به

نوعی آنومی در میان آنها شده است و از طرفی هم نوعی تقدس‌زدایی در اعتقادات آنها شکل گرفته است. این تقدس‌زدایی به همراه امکان انتخاب‌های متنوع و متکثر منجر به انتخاب الگوهای متفاوت برای ارتباط با جنس مخالف شده است. نیما می‌گوید:

«ما تو دوران نوجوانی مون فکر می‌کردیم دستمون به یک جنس مخالف بخوره، می‌ندازمون توی آتیش و خاکستر می‌شیم و یا از یه طناب آویزونمون می‌کنن و هزارتا فکر این شکلی، اما حالا با یه سرچ ساده می‌فهمیم این خبرا نیست و ارتباط با جنس مخالف می‌تونه به صورت موقت هم اتفاق بیفته. حالا یه تیکه صیغه خوندنش که ماجرا رو تغییر نمی‌ده، با اسم‌ها نباید بازی کرد، اگه دین ازدواج موقت رو توصیه کرده فرقی با این چیزی که ما هستیم زیاد نیست. از نظر من دین گفته به نیازتون پاسخ بدید. کاری نداره دیگه یه جمله بخونیم یا نخونیم.»

ج- شرایط مداخله‌گر

رسانه و فضای مجازی

رسانه‌ها به عنوان عوامل مداخله‌گر و هدایت‌کننده جوانان به پذیرش سبک‌های جدید زندگی نقش بسیار زیادی را در زندگی آنها ایفا می‌کنند. پاسخ بسیاری از سوالات جوانان و نگرانی‌های آنها به سادگی در فضاهای مجازی قابل دستیابی است. از طرفی شکل‌گیری روابط با جنس مخالف در فضای مجازی تسهیل و تسریع می‌شود- علاوه بر این به دلیل قابلیت‌های این فضا از جمله ارسال عکس، فیلم، صدا و ... ارتباط می‌تواند جامع‌تر صورت گیرد - و به همین نسبت ارتباطات درون فضای مجازی برای نسل جوان سرشار از چالش‌ها و دریافت اطلاعات ناقص و متفاوت از واقعیت خواهد بود. مهسا می‌گوید:

«اینکه با حداقل هزینه بتونی ساعت‌ها با یکی حرف بزنی، هر وقت دلت می‌خواد کنارش باشی، باعث می‌شه دلبستگی و روابط عاطفی زیاد و زیادتر بشه، خب اگه می‌خواستی پیام بدی خیلی هزینه داشت و عملاً ممکن نبود. به نظرم ورود من به این رابطه بدون استفاده از فضای مجازی تقریباً ممکن نبود، پایه‌های اولیه ارتباط ما توی فضای مجازی شکل گرفت و بعد زیاد شد و به واقعیت پیوست...»

عضویت در گروه‌های دوستی دارای تجربه هم‌خانگی

در میان نسل جوان «تجربه دوستی» اهمیت زیادی دارد. تجربیات دوستان مسیر تجربه‌های جدید فرد را تسهیل می‌کند و با توجه به مشابهت‌های سنی و مشابهت علائق و... می‌تواند به عنوان عامل موثر بر تکرار یک رفتار تاثیرگذار باشد. کسانی که به تجربه هم‌خانگی روی آورده بودند، اغلب در میان شبکه دوستان خود کسانی را داشتند که قبل یا بعد از آنها به هم‌خانگی گرایش پیدا کرده بودند و همین امر به نوعی احساس حمایت و همراهی را در آنها به وجود آورده بود و برخی از نگرانی‌ها و اضطراب‌های آنها از این جهت کاهش یافته بود. به طور مثال، سهیلا می‌گوید:

«فکر نکنید این مسئله کمه. من که بین دوستانم همچین سبکی رو شنیدم و خب همه‌اش هم از جذابیت‌ها و خوبی‌هاش می‌گفتن، آدم ترغیب می‌شد. اونا می‌گفتن در دسرای ازدواج رو نداره و عشقتون پایدارتره و از این حرفا. البته الان می‌فهمم که مشکلات و چالش‌هاش رو خیلی نمی‌گفتن، اما به هر حال تاثیرگذاره. طبیعتاً ما از هم سن و سالای خودمون باید بشنویم این حس خوبه یا نه و گرنه نسل‌های قدیمی که میان بگن خوبه و برید انجام بدید. توی دنیای جدید نظر دوستان مهم‌تر از خانواده‌اس به نظر من...»

د- راهبردها و راهبردها

توجیه‌سازی و مقصرانگاری جامعه و خانواده

در گفتگوی عمیق و طولانی با جوانانی که تجربه هم‌خانگی را داشته‌اند، ردپای مشکلات و مسائل بسیار زیادی دیده می‌شود که به مرور و بعد از اعتماد به پژوهشگر، در مورد آنها گفتگو شد. وقتی از آنها سوال گردید که چرا این سبک را انتخاب کردید، آنها اتخاذ این سبک را به دلیل کم‌کاری‌ها و نقص‌هایی می‌دانستند که در سطح نهادهای جامعه به خصوص کارگزاران جامعه‌پذیری (مدرسه، خانواده، رسانه و...) وجود دارد. از این رو توجیه‌سازی یکی از راهبردهای غالب در میان جوانان دارای تجربه هم‌خانگی است. شهاب می‌گوید:

«وقتی جامعه برایش فرقی نداره چه جور زندگی کنی باید خود زندگیت رو سامان بدی. توی جامعه ما هر کی باید به فکر خودش باشه، دیگه خانواده هم خیلی درگیرت نمی‌شه. برای ازدواج چه چیزایی بهمون یاد دادن یا چقد آمادمون کردن که انتظار دارن اون مدل رو انتخاب کنیم. نه تو خانواده نه تو جامعه با ما راجع به ارتباط با جنس مخالف و ازدواج و... حرف نزدن. همین تلویزیون رو ببینید، ازدواج سستی یا طلاقه یا فحش و خشونت. خب مگه عقلمون کمه اینکارو کنیم... به نظرم باید یه فکر اساسی برای جامعه کرد... ما جوونا که راه خودمونو انتخاب کردیم.»

ناکارآمد خواندن هنجارهای رسمی و غیررسمی

وجود هنجارهای اجتماعی و التزام به انجام و اجرای آن، یکی از راه‌های برقراری نظم و پیش‌بینی‌پذیر کردن رفتار افراد و کنشگران اجتماعی است، کسانی که تجربه هم‌خانگی داشته‌اند اظهار می‌کنند که رعایت هنجارها در جامعه متناسب با قدرت افراد یا موقعیت آنها متغیر است و هر مسئله‌ای می‌تواند درست یا غلط تلقی شود. شرایط آنومیکی که این افراد توصیف می‌کنند منجر به تدوین هنجارهای فردی در شرایط متفاوت برای آنها شده است. آنها معتقدند که هم‌خانگی هنجار درست شرایط کنونی برای ارتباط میان دو جنس است و تا زمانی که هنجارهای اجتماعی در جامعه ما ناکارآمد است، افراد می‌توانند مسیر درست را خود تشخیص دهند. سامان می‌گوید:

«شما توی مسئله ازدواج ببینید، قوانین و مقرراتی که وجود داره، هر کی پول بیشتر و زور بیشتر داشته باشه می‌تونه هر کاری دلش خواست با قانون بکنه، همه چیز روی هواست انگار... مردم هم که نسبت به هم

بی تفاوت شدن؛ یعنی اون قانون و قاعده‌هایی که توی عرف هم تعریف می‌شد، در فضای جدید کارکردی نداره. در نتیجه هر کسی باید چارچوب خودشو خودش مشخص کنه...»

ه - پیامدها و تبعات

کاهش سرمایه اجتماعی جوانان

اعتماد و مشارکت در میان نسل جوان موجب افزایش نشاط و پویایی آنها می‌شود. در صورتی که اعتماد جوانان به افراد و جامعه کاهش یابد، انگیزه مشارکت آنها در جامعه به همان نسبت کم می‌شود و نتیجه آن بی‌انگیزگی و عدم ادغام آنها در فضای اجتماعی خواهد بود. در صورتی که افراد نسبت به محیط خود احساس تعلق نداشته باشند، آسیب‌های محیط برایشان نگران‌کننده نیست و اگر از جانب خود آنها نیز اختلالی در سیستم اجتماعی و فرهنگی جامعه رخ دهد، نه تنها خود را مسئول آن اتفاق نمی‌دانند، بلکه در این میان دیگران را نیز مسئول وضعیت موجود و ناخوشایند تلقی می‌کنند. سارا می‌گوید:

«از وقتی که وارد این رابطه پنهانی شدم، حس می‌کنم که جامعه‌ای که ما رو مجبور کرده خودمونو قایم کنیم ارزش هیچی رو نداره. اصلاً به ما چه که داره پیشرفت می‌کنه یا تباه می‌شه. خب این شرایطی که ما داریم انتخاب بین بد و بدتر (منظورم ازدواجه) بوده، نه یه وضعیت ایده‌آل و خوب... به آدمای این جامعه نمی‌تونن اعتماد کنی. تا حرف بزنی بهت برچسب می‌زنن. همین الان من و همسرم یه خونه مشترک داریم که توش نمی‌تونیم جیک بزیم بس که نگرانیم یکی بهمون انگ بزنه، خیلی حسی به جامعه ندارم و هر چی پیش بیاد برام مهم نیست... به نظرم این شرایط بی‌خیالی و وحشتناکی که تو ما جووناست محصول بی‌اعتمادیه و بی‌خیالی و وحشتناک آدمای این جامعه...»

تغییر روند عادی زندگی

ورود جوانان به روابط هم‌خانگی، روند عادی زندگی آنها را تغییر می‌دهد. یافته‌های پژوهش گویای این امر است که جوانانی که به روابط هم‌خانگی روی می‌آورند، تغییرات محسوسی در فضای اشتغال، تحصیل، خانواده، گروه‌های دوستان و خویشاوندان تجربه می‌کنند. تفاوت «تجربه تغییر روند عادی زندگی» در میان کسانی که ازدواج کردند و کسانی که سبک هم‌خانگی را انتخاب کرده‌اند نشان می‌دهد که در ازدواج، فرد و اطرافیان برای سازگاری با شرایط جدید نوعی همکاری و تفاهم دارند، در صورتی که در روابط هم‌خانگی علت تغییرات اغلب از سوی فرد قابل درک است و اطرافیان به دلیل عدم اطلاع از شرایط وی، همکاری و مشارکتی برای بهبود وضعیت ندارند و گاهی این مسئله منجر به افزایش فشار بر فرد می‌شود؛ به طوری که گاهی فرد ناگزیر است تحصیلات، شغل، روابط خانوادگی و دوستی و... خود را به اجبار ترک کند. بهجت می‌گوید:

«من دوستان صمیمی زیادی داشتم. بعدش که وارد این رابطه شدم، اونا توقعاتی ازم داشتن که برای من مقدور نبود بهش پاسخ بدم، مثلاً دورهمی‌هایی که دوستانمون داشتن و من به خاطر نداشتن زمان یا مختلط

بودن و حساسیت همسر من نمی‌تونستم شرکت کنم. از طرفی هم نوع رابطه رو نمی‌تونستم برایشون توصیف کنم و اونا به حساب بی معرفتی من می‌داشتن. همین ماجرا تو خونه و بقیه جاها هم اتفاق می‌افتاد. آگه یکی ازدواج کنه خب همه کمک می‌کنن با فضا منطبق بشه. اولاش حتی ممکنه تو غذا درست کردن کمکش کنن... اما توی این شکل ازدواج تو تنهایی و چون انتخابت فردی بوده باید پای خوب و بدش وایسی... گاهی خیلی سخته و به خودت می‌گی یا بی‌خیال کار و تحصیل و خانواده بشم یا بیخیال رابطه‌ای که توش هستم.»

کاهش تمایل به ازدواج و از دست دادن فرصت‌های ازدواج

ورود به روابط هم‌خانگی چه به قصد ازدواج و چه به قصد داشتن یک رابطه موقت، تاثیر زیادی بر شکل‌گیری نهاد خانواده یا نگرش افراد به ازدواج می‌گذارد. این تاثیرگذاری هم در بعد زمان ازدواج (تاخیر در سن ازدواج) و هم در بعد کیفیت آن (ارزش‌ها و نگرش‌ها) محسوس و قابل توجه است. کسانی که در روابط هم‌خانگی هستند، ممکن است بعد از چندین سال به این نتیجه برسند که امکان ادامه ارتباط وجود ندارد یا این سبک زندگی همراه با چالش‌های زیادی برای آنهاست. این در حالی است که علاوه بر داشتن یک تجربه منفی از ارتباط با جنس مخالف، فرصت‌های ازدواج خود را از دست داده‌اند و ممکن است از سن مناسب برای ازدواج عبور کرده باشند. مریم می‌گوید:

«توی این مدت خیلی خواستگار داشتم، خیلی به این فکر می‌کردم که بعداً پشیمون می‌شم و با خودم فکر می‌کردم آگه زندگی‌م روال عادی ازدواج رو داشته باشه بهتره یا نه... گاهی فکر می‌کنم اگر بخوام به چیزایی که توی این رابطه نرسیدم توی یه ارتباط دیگه در قالب ازدواج برسم خیلی غم انگیزه. می‌دونید دیگه شادابی و حس و سن و... گذشته رو ندارم و به ازدواج با اشتیاق فکر نمی‌کنم. ازدواج برام بیشتر یه تکلیف می‌شه نه یه علاقه... شاید همیشه نفر مقابلت رو باعث و بانی از دست دادن فرصت‌های ازدواجت بدونی و همین زمینه مشکلات و چالش‌ها رو به وجود بیاره... به‌رحال خیلی چیزا باید توی وقت خودش اتفاق بیفته و برای ما نیفتاد... همین مسئله گاهی تنش‌های فکری زیادی برام میاره و مثل بقیه زندگی‌م سعی می‌کنم بزمن به بی‌خیالی.»

سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی

در روابط هم‌خانگی به دلیل پنهان بودن ارتباط و ترس از برچسب خوردن، فرزندآوری با مخاطره و چالش زیادی روبرو است. کسانی که در روابط هم‌باشی هستند، اغلب اظهار می‌کنند که تمایلی به داشتن فرزند ندارند و افرادی که سال‌های بیشتری از ارتباط آنها می‌گذرد علیرغم داشتن تمایل معتقدند فرزندشان آینده مبهمی خواهد داشت و مثل خودشان برچسب می‌خورد. به این جهت در صورتی که ناخواسته صاحب فرزند شوند، اقدام به سقط‌های خطرناک می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گروهی از افراد به دلیل عدم آگاهی از روش‌های پیشگیری یا جدی نگرفتن پیشگیری به طور میانگین یک یا دو بار تجربه بارداری

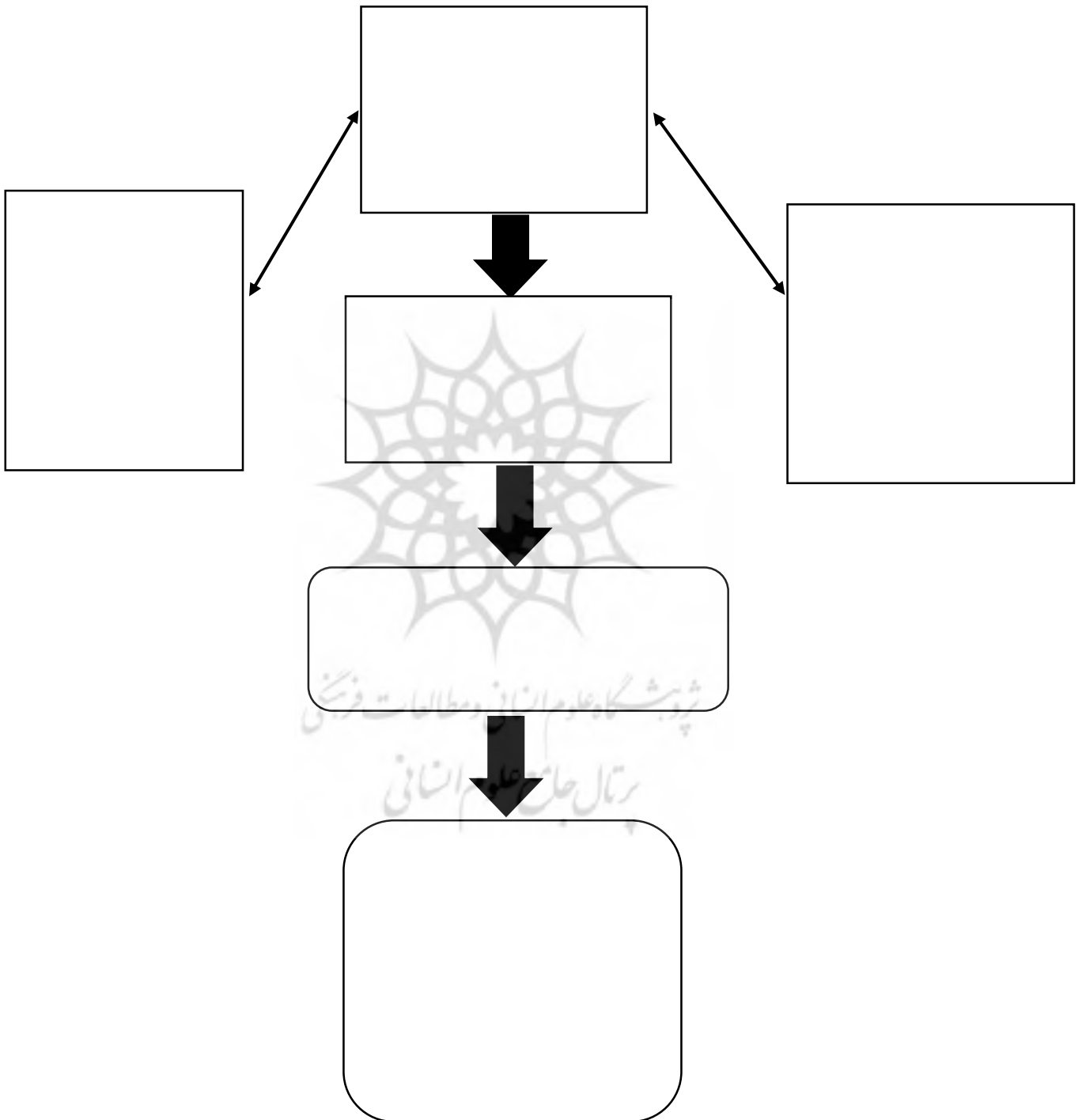
و سقط جنین را داشته اند. با توجه به اینکه سقط جنین در مسیر قانونی نیاز به مجوز پزشک و... دارد، این افراد از مسیرهای غیرقانونی و نامطمئن اقدام کرده‌اند و در نهایت عدم آگاهی آنها باعث افزایش سقط یا بیماری‌های مقاربتی شده است. سهیلا می‌گوید:

«در جامعه که این حرفا «مگو» هست و نباید درباره‌اش حرف زد. از بچگی نمی‌دونیم این چیزا چیه و هیچ آگاهی‌ای نداریم. بعد هم که وارد رابطه می‌شیم با همون فهم جزئی و اطلاعات یواشکی که خودمون کسب کردیم، یه ارتباط داغون رو شکل می‌دیم و اثرش می‌شه بیماری و بچه‌دار شدن و... من خودم دو بار سقط کردم. نگران بودم که برم دکتر و چهار تا سوال از زندگیم بپرسه، نتونم جواب بدم یا برچسب بخورم که این اینجوریه و فلانه... واسه همین چندسال یه بار با یه بیماری بد می‌رفتم و بخشی از مسائل هم به خاطر سقطام بود که خب جای درست و آدم درستی انجامش نداد. وقتی می‌فهمن توی این روابط بچه‌دار شدی، هم پول بیشتری می‌خوان هم براشون مهم نیست بمیری یا زنده بمونی... خنده داره. باید مریضیت هم مثل روابطات توی این جامعه قایم کنی... هم‌ه‌اش قایم موشک بازیه و تهش هم هیچ شادی و حس خوبی نداره.»



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان، به منظور ارائه تصویری جامع‌تر از علل، زمینه‌ها و پیامدهای هم‌خانگی، مدل پیشنهادی بر اساس نظریه داده‌بنیاد و مقولات به دست آمده ترسیم شده است:



منابع

- آزاد ارمکی، تقی و دیگران. (۱۳۹۰). «سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران». مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، صص ۳۴-۱.
- آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و خزاعی، طاهره. (۱۳۸۸). «روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل». فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء. سال ۱۲، شماره ۱۳، صص ۲۴-۱.
- احمدنیا، شیرین و مهریار، هوشنگ. (۱۳۸۳). «نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده». همایش جمعیت شناسی با تاکید بر جوانان: شیراز.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۷). «تحلیلی بر روابط دختر و پسر در ایران». تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان
- احمدی نوده، خ. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب دیدگی فرهنگی خانواده». مجله علوم رفتاری. شماره ۱.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته. مریم وتر. تهران. کویر
- باومن، زیگمونت. (۱۳۸۴). عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی. عرفان ثابتی. تهران: ققنوس
- بحری، ل. (۱۳۸۱). «بررسی انواع و میزان مشکلات عاطفی، رفتاری و ارتباط آنان با پیشرفت تحصیلی و عمل به باورهای دینی نزد دانش‌آموزان دختر جنوب شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۸۱.
- تورن، آلن. (۱۳۸۲). «ایران در جریان فرایند مدرنیزاسیون قرار دارد». همشهری، ویژه نامه نوروژ، صص ۴۷.
- خلج آبادی فراهانی، ف و مهریار، ه. (۱۳۸۷). «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران». فصلنامه خانواده پژوهی. سال ششم، شماره ۲۴، صص ۴۶۸-۴۴۹.

- خواجه نوری، بیژن و دلآور، مریم السادات. (۱۳۹۱). «عوامل موثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تاکید بر فرایند جهانی شدن». جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۳، شماره ۲، صص ۴۱-۶۴.
- دلآور، مریم السادات و احمدی، حبیب. (۱۳۹۱). «رابطه استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی بر میزان ارتباط با جنس مخالف». دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۲۴-۱.
- روزی بیدگلی، زهرا. (۱۳۸۲). «نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی». پژوهش زنان. دوره ۱، س ۳، ش ۷، صص ۱۷۷-۱۹۸.
- سیدان، فریبا و نجفی نژاد، نرگس. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل موثر بر نگرش دختران نسبت به روابط با جنس مخالف». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. بهار و تابستان، ۱۳۹۱.
- شاقاسمی، احسان. (۱۳۸۷). «عشق سیال، روابط پیش از ازدواج در جهان دو فضایی شده کاربر جوان ایرانی». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صاحب الزمانی، محمد و دیگران. (۱۳۸۴). «بررسی تاثیر آموزش بر آگاهی و نگرش دختران دبیرستان های منطقه ۱۴ تهران نسبت به دوستی با جنس مخالف». مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۴، زمستان ۸۴، صص ۲۰۷ تا ۲۱۳.
- فراهانی، جواد و دیگران. (۱۳۸۵). «نگرش جوانان پیرامون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران». دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، تهران.
- فراهانی، فریده و دیگران. (۱۳۸۵). «آگاهی، نگرش و عملکرد باروری پسران (۱۸-۱۵) ساله تهران». دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران، دانشگاه شهید بهشتی ۲۸-۲۵ اردیبهشت.
- کوثری، محمد رضا. (۱۳۷۳). «بررسی علل رابطه با جنس مخالف در میان دانش آموزان دختر دوره راهنمایی در منطقه ۱۸ آموزش و پرورش». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.

- کوثری، مسعود و خیرخواه، طاهره. (۱۳۸۷). «تحلیل محتوای پیام های کوتاه دانش جویان دانشگاه تهران». فصل نامه تحقیقات فرهنگی. سال اول، شماره ۲، صص ۷۸-۵۷.
- گلزاری، محمود. (۱۳۸۳). «آموزش مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف». دومین کنگره بین المللی روان درمانی در شرق و گفت و گوی تمدن ها. تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تخصص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. چاپ چهارم، تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). جامعه شناسی. حسن چاوشیان. چاپ پنجم، تهران: نشر نی
- محمدپور، احمد و دیگران. (۱۳۹۳). «تاثیر عوامل فردی - محیطی بر پایداری به شیوه های ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان روستایی - شهری دانشگاه های سندج)». جامعه شناسی کاربردی اصفهان. س ۲۵، ش پیاپی ۵۳، صص ۱۷۴-۱۵۹.
- موحد، مجید و عباسی شوازی، محمد تقی. (۱۳۸۵). «بررسی روابط جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزش های سنتی و مدرن (در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج)». فصل نامه علمی - پژوهشی مطالعات زنان. سال ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵.
- میرزایی، خلیل و برغمندی، هادی. (۱۳۸۹) «رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن». فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۵۸-۱۳۱.
- نش، کیت. (۱۳۸۸). جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت. محمدتقی دل فروز. چاپ هفتم، تهران: کویر
- وود، جولیان. (۱۳۷۹). ارتباط میان فردی. مهرداد فیروز بخت. تهران: انتشارات مهتاب
- یوسفی، زهرا؛ عابدی، محمدرضا و نشاط دوست، حمید طاهر. (۱۳۸۶). «بررسی نگرش والدین شهر اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختران و پسران». فصلنامه خانواده پژوهی. ش ۱۰.

A Study on the Causes, Areas and Implications of the Youth Tendency to Cohabitation (Case Study: Youth in Tehran)

Marzieh Ebrahimi

Ph.D., Assistant Professor, Social Sciences Department, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 14 May 2019

Accepted: 3 Jun. 2019

Youth policy making and management is always complex and difficult. Young people are considered as human capital of a community. Given the rapid changes in society, the need for research and recognition of their present status are of great importance. Cohabitation is one of the issues that have recently been seen among young people, and due to the cultural and social contradictions of this style of life with the conditions of Iranian society, the causation and study of the subject were defined as a research. This research was conducted using grounded theory and in-depth interviews with ten young people in the city. The findings showed that the circumstances of the young people's tendency toward cohabitation (white marriage) include changing their attitudes toward marriage and family values, the primacy of sexual maturity on social maturity and concern of the future and the most important areas of cohabitation tendency include family backgrounds, unsuccessful experiences with the opposite sex and the weakness of religious beliefs, media and membership in friendships experienced in marriage. Interfering conditions for young people's tendency toward cohabitation (white marriage) has been identified and justifies the strategy of young people versus choosing this lifestyle: the blame for family and community and the ineffectiveness of knowing formal and informal norms. Most contributors to the study reduce the implications of the tendency to marry, losing marriage opportunities, reducing social capital and exposure to Physical and spiritual illnesses.

Key Words: Cohabitation, Family, Youth, Attitude and Value